

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید محوی
۳۱ جولای ۲۰۱۶

ناتوی فرهنگی و رژیم اسلامی در ایران جبهه متحد سرمایه و ثروت علیه فقر در باب اپوزیسیون های ایرانی پنتاگونی (رنگین کمان) رنگین کمان یا القاعده ایرانی در لباس دموکراتیک لائیک بخش ۷/۷



دروغ و بی اعتباری رنگین کمان از دیدگاه «هر منوتیک» پسا مدرن

رنگ و وارنگ از همه رنگ در شهر فرنگ، با وجود این، در جامعه رنگین کمان، دست کم یکی از رنگها را بین آنها نمی بینیم و آن هم رنگ کمونیستهاست، یعنی همان رنگی که اساساً (چنان که در فصل گذشته نیز به این موضوع اشاراتی داشتیم) برای حذف آن تشکیل شده اند. با اندکی دقت می بینیم که رنگین کمانی نیز در کار نیست، بلکه بیشتر به تباری چند نفر یا چند گروه یکدست خلاصه می شود که صاحب کار مشخصی دارند، حرفهای مشابهی می زنند، گزارشات و تعبیراتشان از رویدادهای جهان نیز کاملاً منطبق است بر آنچه در روزنامه های آتلانتیست منعکس می کنند و در نتیجه حامل همه تناقضاتی هستند که سیاستهای امپریالیستی می تواند به عرصه بین المللی منتقل کند.

اگر در ادبیات جغرافیای سیاسی در جبهه آلترناتیو اصطلاح «اسب تروای واشنگتن» برای تعریف حقوق بشر در سیاستهای تجاوزکارانه و جنایتکارانه امپریالیستها و اولترا لیبرالیسم انگلوساکسون از اعتبار خاصی برخوردار باشد، رنگ و وارنگ از همه رنگ در رنگین کمان ایرانی را نیز می توانیم از جمله به دلیل همان رنگ پریدگی اش با چنین اصطلاحی تعریف کنیم.

حال باید بپرسیم که چرا از دیدن کمونیست‌ها رنگشان می‌پرد و مثل زامبی‌ها می‌خواهند با پراکندن ویروس واشنگتن شهر را قبضه کنند؟ شاید علت این است که کمونیست‌ها تنها راه باقیمانده برای خروج از نظام سرمایه‌داری و ساخت و سازهای جامعه طبقاتی را مطرح می‌کنند.

رنگ و وارنگ از همه رنگ، در عین حال یعنی فقدان درک روشن و یکدست از وضعیت کنونی، و یعنی ظاهراً کثرت ذهنیت فردی و گروهی (در مورد جامعه رنگین کمان ایرانی (مُنوگرومی) وابسته به امپریالیسم جهانی) در تلاقی با مسائل و مشکلات عینی مثل بشقاب خالی و یا تعیین مالکیت و سرنوشت منابع زیر زمینی که به شکل رایگان ولی محدود در طبیعت موجود است، یا مثل موضع‌گیری در مقابل تهدیدهای نظامی علیه ایران، که گرچه با مداخله نظامی علیه ایران اعلام مخالفت می‌کنند، ولی در رنگ و وارنگی این جریان مزدور خائن به منافع ملی ایرانیان برخی مداخله نظامی را نیز جایز می‌دانستند و در هر صورت هیچ‌گاه در مقابل تهدیدات، موضع دفاعی و یا اعتراضی اتخاذ نکردند. در مورد بحران هسته‌ئی نیز تا وقتی که جمهوری اسلامی مقاومت می‌کرد، اعتراض می‌کردند که چرا تسلیم نمی‌شود و می‌گفتند که ایران نیازی به انرژی هسته‌ئی ندارد، و وقتی جمهوری اسلامی برای نجات دین اسلام و حکومت اسلامی و سرمایه‌داری به تروریسم بین‌المللی به رهبری ایالات متحده تسلیم شد، اعتراض کردند که چرا تسلیم شده است و چنان که بعداً دیدیم و هنوز هم می‌بینیم، بحران ایران به هیچ وجه به بحران هسته‌ئی خلاصه نمی‌شود و ادامه دارد. ایران به خیلی دلایل مزاحم قدرت‌های امپریالیستی در منطقه است و نه فقط قدرت کنونی ایران، بلکه ایران به مثابه پتانسیلی که برای کسب پیشرفت و قدرت می‌تواند داشته باشد، قابل تحمل نیست و حتا خساراتی که دستگاه دین اسلام و حکومت اسلامی و بورژوازی محلی به این کشور وارد می‌سازد و نقش بازدارنده شبه علم و خردگریزی در دستگاه‌های اجتماعی و از جمله خصوصی‌سازی‌ها کافی به نظر نمی‌رسد و امپریالیست‌ها طرح‌های قدیمی‌شان را گام به گام به پیش می‌برند و در نتیجه رنگین‌کمانها نیز دوشا دوش دستگاه دین اسلام و بورژوازی محلی همچنان به پیکره این طرح استعماری و ویرانگر تعلق دارند.

همان گونه که در بالا اشاره کردم رنگین‌کمانی در کار نیست و گاهی عملاً رنگ یگانه‌ای جدا می‌شود و به جلو صحنه می‌آید، ولی خمیرمایه اصلی و دست‌نخورده خودش را نشان می‌دهد. در دوران «انقلاب سبز» علی‌رغم مخملی‌بودنش چندان هم خالی از خشونت نبود، پیشنهاد طلایی میر حسین موسوی چنین بود که سرمایه‌دارها باید لطف بیشتری از خودشان نشان دهند و با کارگرها و فقراء نشست و برخاست کنند.

در چنین اموری است که هنر تعبیر (هرمنوتیک) نه فقط برای خواندن متون مقدس و ادبی بلکه به مثابه روشی علمی و مؤثر برای علوم و امور انسانی در تمایلات پست مدرنیته و رنگین‌کمانی به هرج و مرج دچار می‌شود و با بر جا گذاشتن فاجعه، ماهیت توطئه آمیزش را لو می‌دهد.

ملاک ما برای تعبیر و درک «چیزها» حقیقت آن است، رنگین‌کمان (گرچه یک رنگ بیشتر نیست، و آن هم رنگ بورژوازی است که مثل زامبی‌ها به زندگی بازگشته تا به شکل سیری ناپذیری انسانها را ببرد و ببلعد) در واقع به مثابه نظریه از بنیاد بی اعتبار است زیرا اگر بخواهیم به چنین رنگین‌کمانی باور داشته باشیم، باید بپذیریم که رساله امام خمینی و کتاب «قرآن محمدی» اثر اکبر گنجی یکی است، مسلمانی که برای نظام برده‌داری شأن قدسی قائل است زیرا پیغمبرشان نیز برده‌دار بوده و چنین نظامی را به رسمیت می‌شناخته می‌توانند با چه گوآرا بنشینند و قهوه بنوشند و سیگار دود کنند، که شاهنامه فردوسی همان ارزشی را دارد که آثار غلامحسین ساعدی (و نه فقط او) که مشخصاً به دلیل حاکمیت ارزش‌های اسلامی و بورژوازی و در نتیجه فقدان شناخت علمی و هنری و نقد ادبی، و خاصه با خصوصی‌سازی دیرینه دستگاه آموزشی... به مثابه اثر هنری شهرت یافته یکسان است. که تمام دیدگاه‌ها معتبرند! و

دموکراسی یعنی به رسمیت شناختن تمام نظریات و تمایلات. حالا اگر یک نفر، یا یک جریان سیاسی اجتماعی آمد و گفت ما برده داری را جایز می دانیم، و یا نمی خواهیم به تو اجازه دهیم که نوشته هایت را منتشر کنی و می خواهیم تو و یا فرد و جریان دیگری را با حذف از تمام فضاهای آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، رسانه ئی زنده بگور کنیم، چه باید کرد؟ در نتیجه رنگین کمان نمی تواند به مثابه نظریه معتبر باشد، به ویژه وقتی که در صحنه اجتماعی به نیرنگ یک رنگ (رنگ سبز) به میدان می آید.

ژان گروندن Jean Grondin استاد دانشگاه مونترآل در کتابی به همین نام یعنی «هرمنوتیک» (۲۰۰۶) هنر تعبیر و درک یا هرمنوتیک را در جایی که با تنوع عقیدتی و پست مدرنیته رنگین کمانی در تلاقی قرار می گیرد، به شکل بارزی تعریف کرده است، او می گوید: «یکی از مفاهیم هرمنوتیک تعیین فضای فکری و فرهنگی، یعنی در جایی که حقیقتی وجود ندارد زیرا همه چیزی به تعبیر و تفسیر و برداشت بستگی می یابد. جهان شمولیت سیطره تعبیر را نیچه به شکل بارزی توضیح داده است «واقعی وجود ندارد، تنها تعبیرات وجود دارند.»»

و شاید به همین علت نیز است که رسانه های آنلاینیست و قدرتهای حاکم بسادگی می توانند دروغهایشان را به شکلی تنظیم کنند که گویی واقعیت همین بوده است که آنها می گویند. به سخن دیگر تعبیر واقعیت بر اساس تغییر و تحریف بازنمائی واقعیت از طریق زبان برای دفاع از منافع شرکتهای چند ملیتی غرب... (موضوع یا بحث اسکیزوفرنی در اینجاست که باید بیش از پیش مورد توجه همگان قرار گیرد، زیرا اگر اسکیزوفرنی و یا هر نوع بیماری روانی دیگری را به اختلال بین فرد و واقعیت و درک جهانی پیرامون تقلیل دهیم و تعریف کنیم، می بینیم که نظام حاکم دائماً با دروغ رسانه هایش در حال مخدوش کردن رابطه بین فرد و جامعه و واقعیت و در نتیجه گسترش اختلال روانی در سطح توده ها در سر تا سر جهان است). ولی چنین نظریه ای در قطب مخالف هرمنوتیک اصیل واقع شده، زیرا هر منوتیک به معنای هنر تعبیر، نظریه حقیقت در زمینه تعبیر است. یعنی باید پرسیم که حقیقت کدام است؟ هرمنوتیک کلاسیک بر آن بود تا قواعدی را پیشنهاد کند تا با نظریات شخصی و اختیاری (بخوانید رنگین کمان نظریات و تمایلات) در اصول تعبیر مبارزه کند. هرمنوتیکی که به اختیار و نسبیت گرائی محکوم شود، مغلظه آمیز ترین ها را به بار می آورد.» (در پیشگفتار «هرمنوتیک» ژان گروندن، در اینجا ترجمه از من است).

تا اینجا ما نشان دادیم که «رنگین کمان» در مفهوم و دعاوی «پدر خواندگی» خود دچار ورشکستگی عمیقی به سر می برد.

نتیجه گیری :

از این ۷ بخش، می توانیم نتیجه بگیریم که ما در دامن هیولانی به دنیا آمده ایم که حاصل کار خود انسانها طی قرون و اعصار بوده و در تخریب زندگی ما به شکل روزمره شرکت دارد. این هیولای از خودبیگانه ساز به شکل ساختاری عمل می کند. وضعیتهای چند در اشکال جزئی حتا در زندگی روزمره، در صورتی که هوشیار باشیم، می تواند ما را به شناسائی این هیولا هدایت کند. وضعیتهای بر ساخته از نظام سرمایه داری و جامعه طبقاتی، دارای ساختاری ثابت و دائمی بوده و از قانون اینرسی سیستمیک پی روی می کنند، یعنی همان ساز و کارهایی که مرزها و نظم طبقاتی را مین گذاری کرده است. که مبدا تحولی به وقوع بپیوندد. می توانیم نتیجه بگیریم که بخش عظیمی از جامعه بشری طعمه این غول عظیم است، غولی که می تواند بر حسب نیازهایش شهرها و کشورها را تخریب کند و به نام قانونی «مقدس» و «بشردوستانه» میلیونها انسان را از زندگی محروم سازد و زن و کودک و پیر و جوان را به قتل برساند. حتا دلایل و براهینی در حاشیه رویدادهای تروریستی در پاریس و نیس وجود دارد که برخی تحلیل گران را واداشته تا بورژوازی

را متهم درجه اول معرفی کنند. در هر صورت بورژوازی از این رویدادهای تراژیک به نفع خودش بهره برداری خواهد کرد.

می توانیم نتیجه بگیریم که باید بیش از پیش از جایگاه خودمان در جهان آگاهی بیابیم و بدانیم که آگاهی به تنهایی کافی نیست، و باید به شکل جمعی و متشکل به مصاف این هیولای از خود بیگانه ساز و مخرب برویم، بی گمان در چشم انداز طرحی نو متکی به شناخت علمی، عادلانه و برای انسانهای رهائی یافته از نظام از خودبیگانه زا. در زمینه جزئی تری اگر بخواهیم نتیجه گیری کنیم، در سطح روزمره، عملاً می بینیم که در غرب دموکراتیک و آزاد نیز حتی ترجمه و انتشار کتاب می تواند به مانع برخورد کند، یعنی کاری که برای ما فارسی زبانانی که در فضای جغرافیائی غرب زندگی می کنیم می تواند به مثابه فعالیتی میان فرهنگی به حساب بیاید. با وجود این، رنگین کمانها و ویتزین رنگ و وارنگ آنان یکی از نقش هائی که به عهده دارند همین است تا نشان دهند که در غرب آزادی و دموکراسی وجود دارد. در حالی که هیولای از خودبیگانه زا در همه جا حضور دارد، و دیکتاتوری مذهبی که به معرفت شناسی شتربانان ۱۴۰۰ سال پیش بیابانهای عربستان محصور شده و گزارشات چند روزنامه آئرناتیو را بر نمی تابد تنها نیست، زیرا در غرب نیز به همین دلایل خیلی به راحتی می توانند افراد را با امکاناتی که در اختیار دارند زنده بگور کنند. ولی برای آنانی که به مرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی محکوم شده اند، تداوم مبارزه یکی از راه های حل باقیمانده است...

حمید محوی/گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/ ۳۰ جولای ۲۰۱۶